

## بازنمایی مشارکت سیاسی روستاییان و مهاجران روستایی در داستان‌های دوره پهلوی دوم (۱۳۴۰-۱۳۵۷)

علی‌رضا ملایی\*

سیده فهیمه موسوی\*\*

### چکیده

نقش روستاییان در فعالیت‌های سیاسی همواره از مباحث مناقشه برانگیز بوده، بخشی از منابع پژوهشی از حضور پررنگ روستاییان و بخشی دیگر از انفعال آنان به خاطر روحیه محافظه‌کارانه‌شان سخن می‌گویند و شماری از منابع تنها برای مهاجران روستایی نقشی قائل شده‌اند. هدف پژوهش حاضر شناسایی احکام دو گفتمان «شهری» و «روستایی» در زمینه مشارکت سیاسی روستاییان و مهاجران روستایی پیش از انقلاب ۱۳۵۷ است. برای دستیابی به ذهنیت روستاییان داستان‌ها به عنوان منابع پژوهش انتخاب شده‌اند. پرسش اصلی این است که مشارکت روستاییان در داستان‌های دوره پهلوی دوم چگونه بازنمایی شده است و دیدگاه نویسندگان روستایی در این زمینه چه تفاوتی با نویسندگان شهری دارد؟ فرضیه ما این است که آثار داستان‌نویسان شهری همچون آثار پژوهشی به همان سه دسته تقسیم می‌شوند، اما بر اساس نظر داستان‌نویسان روستایی اغلب روستاییان و مهاجران به مسائل سیاسی توجهی نداشته‌اند که این بی‌توجهی ناشی از روحیه محافظه‌کارانه‌شان نیست.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات داستانی، گفتمان شهری، گفتمان روستایی، دوره پهلوی دوم، فعالیت سیاسی.

\* دانشیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، mollaiynet@yahoo.com

\*\* کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،

fahimehmusavi.fm@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۴

## ۱. مقدمه

روستاهای ایران پیش از اصلاحات ارضی تحت سلطه نظام ارباب-رعیتی قرار داشت. اربابان روستاییان را استثمار می‌کردند و مانع افزایش آگاهی آنها می‌شدند. روستاییان نیز به صورت منزوی و مستقل در اجتماعات کوچک به زندگی خود ادامه می‌دادند. با توجه به پراکندگی روستاهای ایران بین روستاها نیز ارتباط چندانی برقرار نبود. روستاییان به ندرت به شهر می‌رفتند و اتفاقاتی که در شهرها رخ می‌داد، حتی تغییر حکومت‌ها هم، در زندگی آنها تغییری ایجاد نمی‌کرد؛ روستا خودکفا و بی‌نیاز از شهر بود؛ با این وضعیت بدیهی است که "روستایی" نمی‌توانست مشارکتی در امور سیاسی داشته باشد.

اصلاحات ارضی روستایی را از قید نظام محدودکننده اربابی آزاد و مشارکت او را در فعالیت‌های سیاسی ممکن ساخت. با افزایش ارتباطات و احداث جاده‌ها، روستاها به مناطق دیگر مرتبط شدند. روستاییان به علت افزایش جمعیت و کمبود کار در روستا به شهرها رفتند و در معرض برخی اطلاعات از جمله آگاهی‌های سیاسی قرار گرفتند. در آن برهه زمانی گروه‌های مختلف سیاسی که به دنبال جذب روستاییان و مهاجران بودند، به تبلیغ در میان این گروه‌ها پرداختند. بنابراین، از این پس روستایی می‌توانست در مسائل سیاسی به ایفای نقش بپردازد.

### ۱.۱ مسأله پژوهش

آثار پژوهشی درباره نقش روستاییان در فعالیت‌های سیاسی سه رویکرد متفاوت ارائه می‌کنند: شماری از این آثار نقش روستاییان و مهاجران را در به ثمر رسیدن انقلاب مهم می‌دانند، بخشی دیگر معتقدند روستاییان به علت روحیه محافظه‌کارانه‌شان نقشی در انقلاب نداشتند و در نهایت دسته‌ای دیگر برای روستاییان سهمی قائل نیستند، اما حضور پرشور مهاجران را در به ثمر رسیدن انقلاب ۱۳۵۷ موثر می‌دانند. در هیچ‌کدام یک از این سه رویکرد دیدگاه روستاییان منعکس نمی‌شود؛ زیرا آثار پژوهشی تحت تأثیر گفتمان شهری-مجموعه احکامی که درباره روستا و روستایی در شهر وضع می‌شود- قرار دارند.

مسأله اصلی در این پژوهش آن است که بدانیم از نظر نویسندگان روستایی، روستاییان و مهاجران به مشارکت سیاسی چه رویکردی داشته‌اند؟ البته این بازنمایی لزوماً به معنای تطبیق با واقعیت مطلق نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد، درک ذهنیت روستاییان در این زمینه است. برای دستیابی به این هدف بهترین منابع پژوهشی داستان‌ها هستند. اهمیت

داستان‌ها در این است که مهاجران روستایی برای انتقال نظراتشان به این ابزار گفتمانی به صورت محدود دسترسی داشتند، به این ترتیب با بررسی آثار نویسندگان روستایی می‌توان به صورت نسبی به ذهنیت روستاییان درباره این موضوع دست یافت. داستان‌ها از مهم‌ترین آثار هستند که از طریق آن‌ها می‌توان به بازنمایی تاریخ اجتماعی و فرهنگی پرداخت و از رویکردهای مختلف در یک دوره تاریخی آگاه شد. نکته مهم دیگر این است که آثار داستانی توانایی آن را دارند که حتی با وجود سختگیری‌ها و سانسورها فضا و شرایط حاکم بر دوره خود را منعکس کنند و مسائل زمانه خود را به شکل مستقیم یا نمادین بازگو نمایند؛ مثلاً در پژوهش حاضر داستان‌های شهری به خوبی تغییر نگرش روشنفکر شهری را به مشارکت سیاسی روستاییان در هر برهه زمانی بازتاب می‌دهند.

داستان‌ها را با توجه به دوره زمانی شان نقد و بررسی می‌کنیم تا دریابیم که مشارکت سیاسی روستاییان و مهاجران روستایی چگونه بازنمایی شده است؟ دو گفتمان شهری و روستایی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در بازنمایی این موضوع دارند؟ و اینکه آن دسته از آثار پژوهشی که منعکس کننده نظام معرفتی ما هستند، به کدام گفتمان نزدیک‌ترند؟

## ۲.۱ روش تحقیق/چارچوب مفهومی

در این پژوهش از بعضی مفاهیم موجود در آرای فوکو (Michel Foucault) درباره گفتمان (discours) استفاده شده است. فوکو همواره کوشیده است تا صدای اقشار فرودست جامعه را بازتاب دهد و با بررسی رویه‌های گفتمانی و نقش قدرت در ساخت دانش و نظام معرفتی در اصول پذیرفته شده تردید ایجاد کند. در تاریخ جنون و مراقبت و تنبیه همین دغدغه دیده می‌شود. نگارنده نیز بر آن است که در این پژوهش تنها به گفتمان‌های شهری اتکا نکند و آن را تنها واقعیت موجود نداند و سعی کند تصویری محسوس از تلقی روستاییان ارائه دهد. البته، این به آن معنا نیست که آنچه روستاییان منعکس می‌کنند، واقعیت مطلق است، بلکه، از نظر نگارنده رویکرد روستاییان تنها بخشی از واقعیت را به همراه ذهنیت روستایی نشان می‌دهد. فوکو در *دیرینه‌شناسی دانش* از گفتمان سه تعریف ارائه می‌کند: گاه آن را حیطه کلی همه گزاره‌ها می‌خواند؛ گاه مجموعه متمایزی از احکام؛ و در نهایت به مثابه رویه قاعده‌مند که بر برخی از احکام دلالت دارد (فوکو، ۱۳۹۳: ۱۱۸). احکامی که برآیند تا در پژوهش حاضر به شناسایی آن بپردازیم، به دو گفتمان شهری و

روستایی تعلق دارند که احکام هر یک از آنها با بررسی داستان‌های نویسندگان شهری و روستایی به دست خواهد آمد.

**دسترسی به گفتمان** یکی از مفاهیم به کار رفته در پژوهش است که به میزان حق تعریف بر اساس قدرت هر گروه اشاره دارد (میلز، ۱۳۸۸: ۸۹-۹۲). تردیدی نیست که روستاییان به دلیل نداشتن سواد کافی و قدرت لازم کمتر از شهرنشینان به ابزار گفتمانی دسترسی داشتند. از شصت داستان‌نویسی که به مسائل روستاییان در دوره پهلوی توجه کرده‌اند، تنها ده نویسنده، روستایی هستند، این در حالی است که در دوره پهلوی جمعیت روستاییان بیش از شهرنشینان بود. دسترسی روستاییان به ابزار گفتمانی جدی‌تری چون آثار پژوهشی به کلی متفی است، زیرا اگر روستایی هم به محافل دانشگاهی راه می‌یافت، به تدریج با آموزش‌هایی که می‌دید، احکام گفتمان غالب، یعنی گفتمان شهری، را تکرار می‌کرد.

نگارنده می‌کوشد تا در این پژوهش برای نخستین بار، نحوه مشارکت روستاییان و مهاجران را در فعالیت‌های سیاسی پیش از انقلاب ۱۳۵۷، بر اساس داستان‌هایی که نمایندگان روستا نگاشته‌اند و به شکل دقیق‌تر بر اساس دیدگاه خود آنان به تصویر بکشد. در عین حال با بررسی آثار شهری تفاوت دو دیدگاه شهری و روستایی و نقش هر یک در ساخت معرفت کنونی ما را نشان دهد.

### ۳.۱ پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ پژوهشی با هدف بازنمایی مشارکت سیاسی روستاییان و مهاجران روستائی در داستان‌های دوره پهلوی صورت نگرفته است. اما در پژوهش‌های تاریخی که بازتاب دهنده دانش ما درباره این بحث هستند، آثار مختلفی تدوین شده است. مقایسه دستاورد این آثار پژوهشی با گزاره‌های داستانی دو گفتمان شهری و روستایی می‌توانیم نقش دو گفتمان را در ساخت دانش موجود دریابیم.

آثار پژوهشی که قبل از انقلاب نوشته شده‌اند توجهی به مشارکت سیاسی روستاییان نداشته‌اند و آثار بعد از انقلاب، خود به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروهی که از نبود روستاییان و مهاجران در فعالیت‌های سیاسی سخن می‌گویند؛ گروهی که بین روستاییان و مهاجران تفکیک قائل شده‌اند و از نظر آن‌ها روستاییان در این جریان‌ها نقشی نداشته‌اند، اما

مهاجران روستایی در انقلاب شرکت کرده‌اند؛ و دسته آخر پژوهشگرانی که بر نقش روستاییان و مهاجران در به ثمر رسیدن انقلاب ۱۳۵۷، تأکید دارند.

از مهم‌ترین منابعی که در گروه نخست قرار می‌گیرد، *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران است*. اشرف و بنوعیزی از ابتدا جریان را به نحوی پیش می‌برند که در نهایت به نتیجه دلخواه برسند. آن‌ها معتقدند روستایی و مهاجر روستایی در فعالیت‌های سیاسی مشارکتی نداشتند، زیرا وضعیت کلی روستا در نتیجه اصلاحات ارضی بهبود یافته بود و دلیلی برای نارضایتی از حکومت وجود نداشت (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۴؛ ۱۱۵، ۲۰۸-۲۰۷؛ ۲۱۵؛ ۲۲۴-۲۲۳؛ ۲۳۲-۲۲۹).

از جمله افرادی که آثارشان در گروه دوم قرار می‌گیرد، می‌توان به آبراهامیان، هوگلاند (Hooglund) و فوران (John Foran) اشاره کرد. آبراهامیان در مقاله‌ای با عنوان «دهقانان غیرانقلابی در ایران معاصر» از دلایل انقلابی نبودن روستاییان ایرانی سخن می‌گوید. از نظر آبراهامیان، روستاییان نمی‌توانستند جنبشی برپا کنند، چون دهقانان متوسط اکثریت روستاییان را تشکیل نمی‌دادند (آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۱۰۵-۵۶). به اعتقاد او انقلاب را طبقه متوسط شهری آغاز کرده‌اند، اما پیوستن فقرای شهری به ویژه، کارگران ساختمانی، پس از خرداد ۱۳۵۷ در به نتیجه رسیدن انقلاب تأثیرگذار بوده است و بسیاری از شهدای انقلاب حاشیه‌نشین بوده‌اند. وی همچنین از نفوذ روحانیان در میان مهاجران سخن می‌گوید و بر این باور است که این نفوذ پس از انقلاب، در به قدرت رسیدن روحانیان مهم بوده است (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۶۳۲-۶۳۰؛ ۶۶۲-۶۵۹).

هوگلاند که چند سالی قبل و بعد از انقلاب در روستاهای اطراف شیراز مشغول تحقیق و مطالعه بود روستاییان و مهاجران را به سه دسته تقسیم می‌کند: دهقانان ثروتمند طرفدار حکومت؛ تعدادی از روستاییان که هر روز برای کار به شهر می‌رفتند و مدافع انقلاب بودند؛ و اکثریت روستاییان که کاری به سیاست نداشتند و فرقی میان آیت‌الله خمینی و شاه قائل نبودند. از نظر او مهاجران مشارکت فعالانه‌ای در تظاهرات شهری داشتند و اسلام سیاسی نقش مهمی در جذب آنها به انقلاب داشت (هوگلاند، ۱۳۸۱: ۲۶۲-۲۴۷).

فوران برای فرهنگ دینی مسلط بر مهاجران روستایی در جذب این افراد به انقلاب نقش بسزائی قائل است، همچنین، به نفوذ افکار چپ‌گرا در میان کارگران اعتصابی توجه دارد، اما هیچ نقشی برای روستاییان در جریان انقلاب قائل نمی‌شود (فوران، ۱۳۹۲: ۴۹۲؛ ۵۰۰-۴۹۹؛ ۵۵۵-۵۵۴؛ ۵۷۳-۵۷۰).

سومین گروه از پژوهشگران تفاوتی میان مهاجران و روستاییان قائل نمی‌شوند و بیش از هر چیز بر نقش مذهب در جذب روستاییان و مهاجران تأکید می‌کنند. مرتضوی مشارکت روستاییان را در به ثمر رسیدن انقلاب تعیین کننده می‌داند و دلیل اصلی مشارکت مهاجران را نفوذ روحانیان بر آنها می‌داند (مرتضوی، ۱۳۸۳: ۲۳۲-۲۲۹).

برخی از پژوهشگران نیز، معتقدند که مهاجرت روستاییان به شهر و زندگی در حاشیه‌ها این افراد را به نیروی ذخیره انقلاب تبدیل کرده است. این گروه به مشارکت روستاییان و مهاجران در راهپیمایی‌ها و تظاهرات نیز اشاره می‌کنند (خسروی، بی تا: ۱۸؛ خسروی، ۱۳۶۰: ۷۷؛ رفیع پور، ۱۳۷۷: ۸۱-۸۲؛ گازیورسکی، بی تا: ۴۰۷-۴۰۴؛ لهسائی زاده، ۱۳۸۲: ۲۷۱؛ مومنی، ۱۳۵۹: ۶۶؛ ۱۳۱-۱۲۹؛ ۲۹۳؛ هلیدی، ۱۳۵۸: ۱۳۴؛ ۱۴۶).

ازکیا در کتاب خود به این نکته اشاره کرده است که در دوره اصلاحات ارضی زندان‌ها از روستاییان شورشی پرشده بود، زیرا بسیاری از آنها پیش از رسیدن اصلاحات به روستایشان از پرداخت بهره مالکانه خودداری کرده بودند (ازکیا، ۱۳۶۵: ۱۱۶). از دیدگاه برخی دیگر از پژوهشگران روستاییان اغلب سیاسی نیستند، اما معدود روستاییانی که سیاسی می‌شوند، حضوری پررنگ در فعالیت‌های سیاسی دارند (خسروی، ۱۳۷۲: ۴۶). وی از سوی دیگر دلیل شکست جنبش دکتر مصدق را گسترش نیافتن جنبش‌ها در میان روستاییان می‌داند (خسروی، ۱۳۶۰: ۷۶). در این میان، کدی (Keddie, Nikki) برای مهاجران روستایی نقش مهمی در انقلاب ۵۷ در نظر می‌گیرد (کدی، ۱۳۶۹: ۳۶۳-۳۶۲). عباس علوی در مقاله «طبقه کارگر» به اعتصابات مهم کارگران در دوره محمدرضا شاه اشاره می‌کند که البته به دلیل سرکوب شدید عموماً ناکام می‌ماندند (مقصودی، ۱۳۹۱: ۳۳۷ و ۳۴۱-۳۴۵).

#### ۴.۱ منابع اصلی

همان‌طور که اشاره کردیم، داستان‌ها منابع اصلی این پژوهش محسوب می‌شوند. از میان ۲۵۱ داستان که درباره روستا و مهاجران روستایی در شهر نگاشته شده است، ۳۴ داستان که به نوعی مشارکت سیاسی روستاییان و مهاجران روستایی را منعکس کرده‌اند گزینش و به آنها استناد شده است. از بین این آثار ۲۰ داستان از آثار نویسندگانی با خاستگاه شهری و ۱۴ داستان از آثار نویسندگانی با خاستگاه روستایی انتخاب شده‌اند که درباره این داستان‌ها مفصلاً سخن خواهیم گفت. علاوه بر داستان‌های نگارش شده در مقطع زمانی این پژوهش،

آثار داستانی پیش از دهه ۱۳۴۰، نیز مطالعه و بررسی شده‌اند تا بتوان از طریق آن به درک بهتری از تحول دیدگاه روشنفکران به مشارکت روستاییان دست یافت. از طرف دیگر، بر روی داستان‌هایی که پس از ۱۳۵۷ نگاشته شده‌اند، نیز تأمل بسیار صورت گرفته است، زیرا این آثار، روستاییان پیش از انقلاب را به تصویر کشیده‌اند و نویسندگان آنها نیز این دوره زمانی را درک کرده‌اند؛ از طرفی، این داستان‌ها قابلیت آن را دارند که بتوان از طریق آنها به اطلاعات مهمی دست یافت.

## ۲. بررسی نحوه بازنمایی نقش روستاییان و مهاجران در فعالیت‌های سیاسی در داستان‌ها

داستان‌های بررسی شده در پژوهش حاضر به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: دسته اول، آثار نویسندگان شهری و دسته دوم، آثار نویسندگانی با خاستگاه روستایی که خود به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شوند.

### ۱.۲ نحوه بازنمایی نویسندگان شهری از نقش روستاییان و مهاجران در فعالیت‌های سیاسی

چنانکه در جدول ذیل مشاهده می‌شود، داستان‌های شهری خود به سه گروه تقسیم شده‌اند. البته، اشاره به این نکته ضروری است که دو گروه نخست که بر اساس روند تاریخی بررسی و تفکیک شده‌اند، ذیل یک عنوان بررسی خواهند شد.

آثار شهری که به مشارکت سیاسی روستاییان و مهاجران در مسائل سیاسی اشاره دارند.	آثار شهری که به فعالیت‌های سیاسی مهاجران اشاره دارند.	آثار شهری که روستاییان را متغیر و محافظه‌کار نشان می‌دهند.	
گیلمرد (۱۳۲۶) دختر رعیت (۱۳۳۱)	زیرابها (۱۳۲۶)، دره خزان‌زده (۱۳۲۶) لاک صورتی (۱۳۲۷)	-	پیش از دهه ۱۳۴۰
تنگسیر (۱۳۴۲)	تابستان همانسال (۱۳۴۸) عاشورا در پاییز (۱۳۴۸)	قصه پاییزی (۱۳۴۷)	دهه ۱۳۴۰
-	غریبه‌ها (۱۳۵۰)	باد باد مهرگان (۱۳۵۰)	دهه ۱۳۵۰

پسرک بومی (۱۳۵۰)	«اجاره‌نشینان» (۱۳۵۲)، «زیر		
عبدو (۱۳۵۲)	چتر کرباسی» (۱۳۵۲)، «صبر		
سایه به سایه (۱۳۵۶)	ایوب» (۱۳۵۲)،		
پریشانی (۱۳۵۷)	«آشغال‌دونی» (۱۳۵۶)		
چراغانی در باد (۱۳۶۸)	-	-	پس از دهه ۱۳۵۰

## ۱.۱.۲ موافقان مشارکت روستاییان و مهاجران در فعالیت‌های سیاسی

### ۱.۱.۱.۲ پیش از دهه ۱۳۴۰

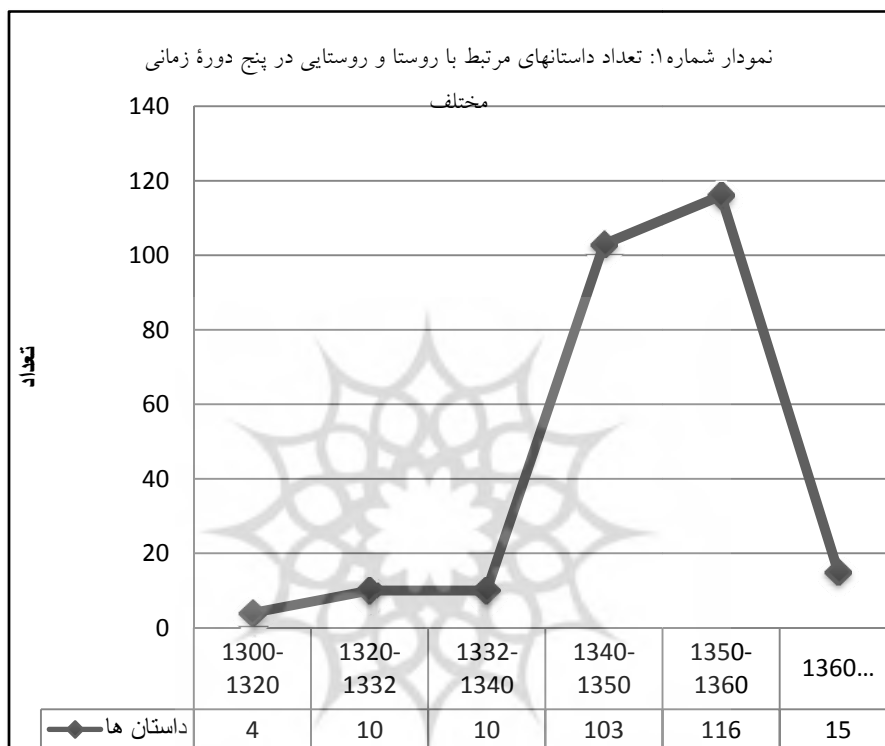
پس از سقوط رضاشاه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که حزب توده در صحنه سیاسی ایران فعالیت داشت، نخستین داستان‌های فارسی با مضمون فعال بودن روستاییان و مهاجران در مسائل سیاسی نگاشته می‌شوند. سه داستان‌نویس توده‌ای، علوی، آل‌احمد و به‌آذین، در پنج داستان «گیله مرد»، «دختر رعیت»، «زیرابها»، «دره خران‌زده» و «لاک صورتی» از گرایش روستاییان و مهاجران روستایی به احزاب و مبارزات دهقانی سخن می‌گویند؛ البته، این داستان‌ها ریشه در واقعیت نداشتند، بلکه در جهت اهداف حزب نگاشته می‌شدند. مثلاً، آل‌احمد که سه داستان «زیرابها»، «دره خران‌زده» و «لاک صورتی» را در دوره عضویت خود در حزب توده منتشر کرد، با جدا شدن از حزب دیگر این مضمون را تکرار نکرد؛ حتی در داستان‌های بعدی‌اش که به روستا ارتباط دارند، از جمله «نفرین زمین» و «سرگذشت کندوها» هیچ روستایی انقلابی و حتی کنجکاو به مسائل سیاسی دیده نمی‌شود. در واقع، برخلاف داستان‌های پیش از کودتای آل‌احمد که در آن روستاییان آگاه به تصویر کشیده شده‌اند، در داستان‌هایی که بعد از جدایی او از حزب توده به نگارش درآمده‌اند، روستاییان نیاز به مشاوره و راهنمایی دارند. نکته مهم دیگر آنکه در هر پنج داستان روستاییان و مهاجران حضور فعال و مثبتی دارند.

### ۱.۱.۱.۲ دهه ۱۳۴۰

یکی از مهم‌ترین نتایج اصلاحات ارضی ۱۳۴۱، برانگیختن توجه پژوهشگران و طبقات مختلف به روستا و روستاییان بود. نمودار شماره ۱ به خوبی نشان می‌دهد که تعداد آثاری که پس از اصلاحات ارضی، به روستا و روستایی می‌پردازد، به یکباره چندین برابر می‌شود. در این آثار بسیاری از موضوعات خواسته یا ناخواسته مطرح شدند. یکی از مهم‌ترین مضامین رایج این داستان‌ها میزان و نحوه مشارکت سیاسی روستاییان است. تغییر دیگر این



است که با کنار رفتن اربابان، روستایی آزاد شده از سیطره نفوذ اربابان می‌تواند خود آزادانه تصمیم بگیرد. این امر امیدی در روشنفکران برای شروع انقلاب دهقانی ایجاد کرد. حال باید دید در داستان‌های دهه ۱۳۴۰ مشارکت سیاسی روستاییان چگونه بازنمایی شده است.



در دهه ۱۳۴۰، تنها سه داستان به نقش روستاییان در فعالیتهای سیاسی می‌پردازد. داستان‌های «تابستان همان سال» (تقوایی، ۱۳۴۸: ۵۸-۵۷) و «عاشورا در پاییز» (تقوایی، ۱۳۴۸: ۵۵-۵۲) به کارگران مهاجر متمایل به احزاب چپ اشاره می‌کند که در تظاهرات و فعالیتهای سیاسی پیش از کودتای ۲۸ مرداد، حضور داشتند. در این داستان‌ها اشاره‌ای به روستایی یا شهری بودن این افراد نمی‌شود. نگارنده با این فرض که در این برهه زمانی دو سوم کارگران روستایی بوده و اغلب کارگران شهری نیز پدرانی روستایی داشتند (ساروخانی، ۱۳۵۷: ۴۳؛ اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۱۱۱) و به دلیل اینکه کارگران این داستان‌ها در خوابگاه‌های مخصوص مهاجران فصلی اقامت دارند، معتقد است که شخصیت‌های این داستان‌ها روستاییانی هستند که در فعالیتهای سیاسی حضور داشته‌اند.

این دو اثر به مبارزات و فعالیت‌های سیاسی مهاجران اشاره دارند، ولی در داستان «تنگسیر» (۱۳۴۲) روستایی فعالیت حزبی ندارد، بلکه در قالب قهرمانی مبارز به تصویر کشیده می‌شود؛ شیرمحمد روستایی که سه شهری پول او را خورده‌اند، دست به تفنگ می‌برد، هر سه نفر آنها را می‌کشد و در مقابل نیروهای حکومتی می‌ایستد (چوبک، ۲۵۳۶: ۱۷۰-۱۳۶). در داستان‌های دهه ۱۳۴۰، اثری از گرایش یا حتی تلاش احزاب در جهت جذب روستاییان نیست؛ این سکوت با وجود شوری که اصلاحات ارضی می‌توانست ایجاد کند، کمی عجیب به نظر می‌رسد. به نظر نگارنده با آغاز اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰، تمام تلاش نویسندگان بر روی بیان تأثیرات اصلاحات و مشکلات روستاییان در روستا متمرکز شد؛ کمی بعد با تثبیت موقعیت شاه دیکتاتوری مجدداً حکم فرما گردید و از ۱۳۴۳ دستگیری و تبعید مخالفان به صورت گسترده آغاز شد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۸۳). بنابراین، دیگر امکان پرداختن به تأثیر اصلاحات ارضی بر آزادی روستاییان و مشارکت سیاسی آنان نبود. جالب است که هر سه داستان دهه ۱۳۴۰، در فضای تاریخی دیگری تعریف می‌شوند. فضای زمانی دو داستان نخست، مربوط به پیش از کودتاست و داستان «تنگسیر» هم در دوره قاجار به وقوع می‌پیوندد و این تغییر فضای تاریخی از شرایط سیاسی خفقان‌آور این دهه خبر می‌دهد.

#### ۳.۱.۱.۲ دهه ۱۳۵۰

از اواخر دهه ۱۳۴۰، به تدریج، از اهمیت اصلاحات ارضی کاسته شد و مبارزات سیاسی در مرکز توجه قرار گرفت. از ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، با حمله سیزده مرد مسلح به ژاندارمری سیاهکل دوران هشت ساله فعالیت‌های چریکی آغاز می‌شود (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۵۹۱). این موضوع از طرفی، با دور شدن از فضای اصلاحات ارضی می‌توانست منجر به دور شدن روشنفکران از پرداختن به روستا شود که در واقع چنین هم شد و تعداد داستان‌های مرتبط با روستاییان در روستا کاهش یافت؛ از طرفی با افزایش فعالیت‌های سیاسی می‌بایست مهاجران روستایی را وارد فضای انقلابی کنند؛ در واقعیت نیز بر تعداد داستان‌هایی با این مضمون افزوده شد.

در داستان‌های «عبدو» (موذن، ۱۳۵۲: ۹۹-۱۰۰)؛ «پسرک بومی» (محمود، ۲۵۳۶: ۱۶۲-۱۴۴)؛ «جزیره» (مسجدی، ۱۳۵۸: ۶۴-۶۳؛ ۸۰؛ ۹۱) و «پیشانی» (رهبر، ۱۳۵۷: ۶۴-۶۲) مهاجران روستایی را می‌بینیم که به احزاب گرایش دارند؛ این افراد فعالانه در اعتصاب‌ها و مبارزات شرکت می‌کنند. روستاییان داستان «غریبه‌ها» حزبی نیستند، اما در حال مبارزه با

حکومت نشان داده می‌شوند. در واقع، نویسنده از نعمت روستایی قهرمان می‌سازد. (محمود، ۲۵۳۶: ۲۹-۱۵)

در «سایه به سایه» حاشیه‌نشینی به فعالان سیاسی کمک می‌کند و در پایان، حاشیه‌نشینان به مبارزه با حکومت می‌پردازند (ساعدی، ۲۵۳۶: ۹۲-۹۰) در این داستان اشاره‌ای به روستایی بودن شخصیت اصلی داستان نشده است، اما نگارنده با توجه به آثار ساعدی که بسیاری از آن‌ها در رابطه با روستایی در روستا (مانند «عزادان بیل»، «ترس و لرز» و «تاتار خندان») و مهاجران روستایی در شهر (مثل «گدا») نوشته شده‌اند و نیز داستان‌هایی که در آن شخصیت‌های شهری به روستا پناه می‌برند (مانند «آرامش در حضور دیگران» و «عافیتگاه») شخصیت اصلی داستان را روستایی می‌داند؛ از طرفی، با توجه به اینکه در اغلب آثار داستانی و پژوهشی حاشیه‌نشین‌ها عموماً روستاییان شناخته شده‌اند، حاشیه‌نشینان داستان‌های ساعدی را نیز می‌توان مهاجران روستایی قلمداد کرد. در پایان داستان هم مبارزه جمعی حاشیه‌نشینان با مأموران دولتی به تصویر کشیده می‌شود؛ از این رو، می‌توان گفت این داستان به حضور مهاجران روستایی در مبارزات اشاره دارد.

در رمان «همسایه‌ها» تبلیغ مبلغان حزب توده در روستا توصیف می‌شود؛ بعدها نویسنده‌ای با ریشه روستایی از این نوع تبلیغات انتقاد می‌کند.

«گاهی صد نفر هم بیشتر هستیم... می‌رانیم تا نزدیکی دهکده‌ها... سایه درختان خوش است. بوی سبزه‌ها خوش است. تخم مرغ بازی می‌کنیم... ظهر که می‌شود دور هم‌دیگر می‌نشینیم. غذاها را روهم می‌ریزیم... بعد، بعضی از بچه‌ها که از ما بزرگترند و سرشان بیشتر تو کار است راه می‌افتند تو دهات مجاور، تو مزارع و تو باغستان‌ها و بنا می‌کنند با روستائیان حرف زدن. به حرف‌هایشان گوش می‌دهم. از زمین حرف می‌زنند که روستائی باید به نفع ارباب رویش جان بکند. از سهم زارع حرف می‌زنند که سالانه به قدر بخور و نمیری هم نیست. از بچه‌های دهاتی حرف می‌زنند که مدرسه ندارند. از بهداشت و دوا و درمان و تقسیم املاک حرف می‌زنند...» (محمود، بی‌تا: ۱۷۸-۱۷۷).

#### ۴.۱.۱.۲ پس از دهه ۱۳۵۰

در این دهه، تنها در داستان «چراغانی در باد» شاهد حضور فعال مهاجران روستایی در فعالیت‌های سیاسی هستیم. شیرآهن، رسول و علوان سه شخصیت مهاجر این داستان هستند که در مبارزات شرکت می‌کنند (آقائی، ۱۳۶۸: ۱۱؛ ۱۷؛ ۱۸؛ ۴۹؛ ۵۷؛ ۱۱۲). اما این داستان نیز در جریان فعالیت‌های حزب توده و پیش از کودتای ۲۸ مرداد روایت می‌شود.

نکته مهم درباره داستان‌های پیش از دهه ۱۳۵۰، حضور جمعی و فردی روستاییان و مهاجران در مبارزات است، اما در داستان‌های دهه ۱۳۵۰ و پس از آن فقط حضور پرشور مهاجران روستایی و یا مشارکت فردی مهاجر روستایی بازنمایی می‌شود؛ در واقع، در آثار داستان‌نویسان شهری پس از دهه ۱۳۴۰، روستاییان ساکن در روستا به کلی از مسائل سیاسی کنار گذاشته می‌شوند. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که مانند برخی از آثار پژوهشی (آثار پیش از دهه ۱۳۵۰) موافقان مشارکت سیاسی در آثار داستانی نیز مشارکت روستاییان و مهاجران را بازتاب می‌دهند، اما برخی دیگر (آثار پس از دهه ۱۳۵۰) میان روستاییان و مهاجران تفکیک قائل می‌شوند؛ از نظر آن‌ها تنها مهاجران فعالیت سیاسی داشته‌اند.

## ۲.۱.۲ مخالفان مشارکت سیاسی روستاییان و مهاجران در فعالیت‌های سیاسی

### ۱.۲.۱.۲ دهه ۱۳۴۰

بنا به نظر برخی اصلاحات ارضی منجر به بهبودی وضع روستایی و در نتیجه بی‌توجهی روستاییان به مسائل سیاسی شد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۲۳۲). همچنین، اصلاحات ارضی با رضایت اولیه‌ای که ایجاد کرد، باعث شد تا روستاییان در سرکوب روشنفکران پس از فراندوم ۶ بهمن ۱۳۴۱ - که برخی از پژوهشگران از آن با عنوان کودتای سیاه یاد می‌کنند - اهرمی در دست حکومت باشند (مومنی، ۱۳۵۹: ۲۸۱-۲۷۸). در داستان‌ها نیز همین واکنش به اصلاحات ارضی را می‌توان مشاهده کرد، اما تنها یک داستان در اواخر دهه ۱۳۴۰، نبود روستاییان را در فعالیت‌های سیاسی منعکس کرده است، زیرا به اعتقاد نگارنده بیشتر روشنفکران دهه ۱۳۴۰، هنوز منتظر شروع جنبش‌ها در روستا هستند و از جذب روستاییان ناامید نشده‌اند. «قصه پاییزی» (۱۳۴۷) تنها داستان دهه ۱۳۴۰ است که روستاییان را همچون اهرمی در دست دولت و علیه روشنفکران نشان می‌دهد. این داستان در تقابل با داستان «زیرابها» اثر آل‌احمد است. روستایی داستان «زیرابها» با آتش زدن زندان فرار می‌کند (آل‌احمد، ۱۳۵۷: ۳۱-۱۸). اما روستاییان «قصه پاییزی» ساختمان زندان را تکمیل می‌کنند و خود به همراه روشنفکران در آنجا حبس می‌شوند (الهی، ۱۳۵۸: ۱۴-۷). داستان نخست از امید روشنفکران برای ورود روستاییان به عرصه فعالیت‌های سیاسی در دهه ۱۳۲۰ سخن می‌گوید و داستان دوم به نگاه منفی برخی روشنفکران دهه ۱۳۴۰ به نقش روستاییان و تأثیر آنها بر فشار بیشتر بر روشنفکران اشاره دارد.

۲.۲.۱.۲ دهه ۱۳۵۰

در دهه ۱۳۵۰، پنج داستان نگاشته شده‌اند که روستایی و مهاجر را یا به صورت منفعل و یا عامل حکومتی نشان می‌دهند. دانشجوی روستایی داستان «باد، باد مهرگان» به توصیه خانوادهاش همواره از مسائل سیاسی دوری می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۹-۱۱).

دیدگاه کارمند روستایی «زیر چتر کرباسی» درباره سیاست چنین است: «تو هیچ ماجرای هم دخالت نکردم، چیکار دارم برادر مثل معروفیه که میگه سری که درد نیس چرا دستمال ببندم. از این اعتصاب متصاب‌ها؟» (موذن، ۱۳۵۲: ۱۳) «صبر ایوب» داستان معدنچیان روستایی است که روحیه انقلابی ندارند و به دله‌دزدی دل خوش کرده‌اند (الهی، ۱۳۵۸: ۶۲-۵۱). این داستان در تقابل با داستان «دره خزان‌زده» قرار دارد و مدام از تصورات واهی روشنفکران درباره کارگران سخن می‌گوید:

«گر رفقا بودند... می‌دیدند که میان حرف‌های خالص و نابی که می‌زدیم و واقعیت، فاصله زشت و چندش‌آوری است. پرویز می‌گفت: «اگر خشم‌شان با دانایی، نمی‌دانم گره بخورد، طوری بشود، نیرویش کوه را می‌شکند، دیوار را بالا می‌برد، ماشین را می‌سازد، تراکتور را بحرکت در می‌آورد، زندگی را می‌سازد، حتی می‌تواند دنیا را...» همین‌ها روی پاهای من می‌افتادند، همین جانورها که اینهمه دوست‌شان داشتیم.» (الهی، ۱۳۵۸: ۶۱)

در داستان «اجاره‌نشینان» امید واهی طبقه متوسط به شروع انقلاب از سوی روستاییان به تصویر کشیده می‌شود:

«تلفن آسانسور زنگ زد... لای همه درها باز شده بود و نور اتاق‌ها جابه‌جا ریخته بود کف راه‌روها و مستأجرین همه گردن کشیده بودند... یکی از مستأجرین طبقه اول بود که با لحنی روستائی و ته صدایی خفه که بوی خشونت می‌داد حرف می‌زد «آقا فریب فریب... همه عمرم بدهکار شده‌ام بخاطر یه اتاق فسقلی که نه آب داره نه آبادانی...» (محمود، ۲۵۳۶: ۱۲۶-۱۲۵)

«اجاره‌نشینان» داستان نمادینی است که در ساختمانی ۱۲ طبقه که به شکلی نمادین با ۱۲ اصل انقلاب سفید مطابقت می‌کند، اتفاق می‌افتد. اصلاحات ارضی اصل اول انقلاب سفید است، پس روستاییان هم در طبقه اول قرار می‌گیرند. سرک کشیدن‌ها و توجه طبقات دیگر به فریادهای مستأجر طبقه اول، به انتظاری که روشنفکران از روستاییان برای شروع انقلاب دارند، اشاره دارد. سرانجام، گذاشتن گوشی و قطع شدن صدای روستایی، ساکنان طبقات دیگر را متوجه بیهودگی انتظارشان می‌کند. در داستان «آشغال‌دونی» فرد

حاشیه‌نشین، جاسوس دولت می‌شود (ساعدی، ۲۵۳۶: ۱۹۸). در این داستان مانند داستان «سایه به سایه» اشاره مستقیمی به روستایی بودن شخصیت اصلی داستان نمی‌شود، اما به همان دلایل که پیش از این بیان شد، این شخصیت را نیز روستایی دانسته‌ایم. این شش داستان که از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶ چاپ و منتشر شده‌اند، ناامیدی برخی از روشنفکران را از همراهی سیاسی روستاییان منعکس می‌کنند. در واقع، برخی از داستان‌نویسان که اغلب از طبقه متوسط و روشنفکر به شمار می‌آیند و در دهه ۱۳۴۰، منتظر واکنشی از سوی روستاییان و مهاجران بوده‌اند، با مشاهده انفعال اکثریت روستاییان به دنبال توجیه و تحلیل این انفعال برآمده‌اند؛ به همین علت داستان‌های دهه ۱۳۵۰، از محافظه‌کاری روستایی و مهاجر روستایی سخن می‌گویند. پس از دهه ۱۳۵۰، اثری شهری که انفعال روستایی را نمایش دهد، دیده نمی‌شود.

## ۲.۲ بازنمایی نویسندگان روستایی از نقش روستاییان و مهاجران در فعالیت‌های

### سیاسی

داستان‌های نویسندگان روستایی	
روز سیاه کارگر (۱۳۰۶)؛ قضیه چلچراغ عقب افتاده ما (۱۳۳۶)؛ کمیته مخفی نامرئی (۱۳۳۶)	پیش از دهه ۱۳۴۰
گاواره‌بان (۱۳۴۸)	دهه ۱۳۴۰
علو (۱۳۵۵)؛ چراغی بر فراز مادیان‌کوه (۱۳۵۵)؛ دهقانان (۱۳۵۸)؛ گوشواره (۱۳۵۴)؛ آقای امیدی (۱۳۵۳)؛ پاجوش (۱۳۵۶)	دهه ۱۳۵۰
شما که غریبه نیستید (۱۳۸۴)؛ کلیدر (۱۳۶۳)؛ برزخ خس (۱۳۷۲)؛ پایان جغد (۱۳۷۴)	پس از دهه ۱۳۵۰

### ۱.۲.۲ پیش از دهه ۱۳۴۰

«روز سیاه کارگر» (۱۳۰۶) نخستین داستان از نویسنده‌ای روستایی است که مهاجر روستایی را در جریان امور سیاسی نشان می‌دهد. بختیار، مهاجر روستایی داستان، تنها برای داشتن حامی به یکی از احزاب می‌پیوندد (خدادادگر تیموری، ۱۳۰۶: ۷۱-۷۰). در این داستان، مهاجر روستایی مشارکت سیاسی ندارد و بدون باور عضو حزبی می‌شود. پس از سقوط رضاشاه تا کودتای ۲۸ مرداد، هیچ داستان دیگری از داستان‌نویسان روستایی با چنین مضمونی منتشر نمی‌شود.

پس از کودتا، ابوالقاسم پاینده برداشت خود از فعالیت‌های سیاسی را در قالب دو داستان مطرح می‌کند. در داستان «قضیه چلچراغ عقب افتاده ما» اهالی روستا از اینکه چلچراغشان عقب چلچراغ‌های محلات دیگر وارد مراسم می‌شود، ناراضی‌اند؛ بنابراین، شروع به فعالیت می‌کنند تا عقب ماندگی خود را اصلاح کنند؛ حتی یکی از مراجع تقلید فتوایی صادر می‌کند که بعد معلوم می‌شود ساختگی بوده و میرزای مسأله‌گوی روستا آن را جعل کرده است. با وجود تمام این تلاش‌ها، باز هم چلچراغ محله در انتهای صف قرار می‌گیرد؛ (پاینده، ۱۳۳۶: ۱-۳۵) زیرا، نماینده مضطرب محل که با هدایایی نزد حاکم رفته بود تا موقعیت چلچراغ محله را بهبود بخشد، در پاسخ به پرسش حاکم که چه می‌خواهد، چنین می‌گوید: «چلچراغ محله... که هر سال آخر همه بمیدان میرفت امسال باید عقب همه برود» (پاینده، ۱۳۳۶: ۳۲) و با این جمله تمام مبارزات و فعالیت‌ها بی‌نتیجه ماند، فقط پول و وقت مردم بیهوده تلف شد.

داستان «کمیتة مخفی نامرئی» ماجرای گرایش نوجوانی روستایی است که از سر کنجکاو به حزبی مذهبی روی آورده است. این جوان بدون اینکه هدف خاصی را دنبال کند، تنها شور و شوق فعالیت حزبی دارد. از طرفی، این حزب که معلوم نیست چیست و چه می‌خواهد به سهولت در روستا عضوگیری می‌کند. اکثر اعضای آن هم به دنبال حل مشکلات خود از جمله گرفتن معافیت سربازی به کمک حزب هستند. در پایان با پرخاش و سخت‌گیری حاکم تشکیلات حزب در روستا از بین می‌رود (پاینده، ۱۳۳۶: ۱۸۱-۱۴۲).

## ۲.۲.۲ دهه ۱۳۴۰

در میان داستان‌های دهه ۱۳۴۰ «گاواره‌بان» تنها داستانی است که به موضوع بحث ما می‌پردازد. این داستان ماجرای گرفتن سرباز از میان روستاییان است که به شکلی خشونت‌آمیز انجام می‌شود. در پایان داستان، قنبر، که پدرش بر اثر خشونت سربازگیران می‌میرد، چوب به دست می‌گیرد تا در برابر ژاندارم‌ها بایستد و در این باره چیزی به بقیه نمی‌گوید و داستان در همین صحنه به پایان می‌رسد (دولت‌آبادی، ۱۳۹۲: ۷۱). نه مبارزه‌ای نشان داده می‌شود و نه معلوم می‌شود که روستاییان دیگر با قنبر همراهی می‌کنند یا خیر؟ این داستان را هم می‌توان انقلابی دانست، اما از نظر نگارنده این چوب به دست گرفتن که مبارزه‌ای را هم به همراه ندارد، از تأثیرپذیری نویسنده روستایی از گفتمان شهری سرچشمه می‌گیرد و تحت تأثیر حال و هوای اواخر دهه ۱۳۴۰ نگاشته شده است. در غیر این صورت صحنه

مبارزه نیز نمایش داده می‌شد؛ از طرفی، باید به این نکته هم توجه کرد که «گاوآره‌بان» از نخستین آثار دولت‌آبادی است و این نویسنده در داستان‌های بعدی‌اش تغییر رویه می‌دهد.

### ۳.۲.۲ دهه ۱۳۵۰

در داستان‌های روستایی دهه ۱۳۵۰، حضور روستاییان و مهاجران در مسائل و فعالیت‌های سیاسی دیده می‌شود. در داستان «علو» (۱۳۵۵) تعدادی از مهاجران روستایی در اعتصاب‌ها شرکت می‌کنند (صفدری، ۱۳۶۸: ۷۴). میان داستان‌نویسان روستایی منصور یاقوتی قلم انقلابی‌تری دارد، اما در آثار او نیز اغلب گرایش‌های فردی مهاجر روستایی را مشاهده می‌کنیم. عدل در داستان «پاجوش» (یاقوتی، ۲۵۳۶: ۷۸-۸۸)، آذری در «دهقانان» (یاقوتی، ۱۳۵۸: ۹۷) و احمدعلی در «آقای امیدی» (یاقوتی، ۱۳۵۳: ۴۵-۴۴) بعد از مهاجرت به شهر به احزاب می‌پیوندند، در میان داستان‌های گوناگونی که در این دوره نوشته شده‌اند، تنها این چهار داستان به حضور مستقیم معدودی از مهاجران روستایی در فعالیت‌های سیاسی اشاره می‌کنند.

منصور یاقوتی علاوه بر سه داستان فوق داستان‌های دیگری نیز دارد که می‌توان آن‌ها را تحت تأثیر فضای انقلابی دهه ۱۳۵۰ دانست، اما این داستان‌ها ارتباطی با فعالیت‌های سیاسی ندارند. در داستان «چراغی بر فراز مادیان کوه» (۱۳۵۵) روستایی در برابر نیروهای دولتی و ارباب‌ها شورش می‌کند. سراسر داستان «دهقانان» (۱۳۵۸) فضایی انقلابی دارد، اما در این داستان‌ها روستاییان در پیوند با دیگر فعالان سیاسی نیستند، بلکه در برابر نظام ارباب-رعیتی شورش می‌کنند. داستان «بغض» از یاقوتی شکل دیگری از نفرت روستاییان را از وضع موجود منعکس می‌کند. نوجوانان مهاجر این داستان از نخورده‌هایشان به هم می‌گویند یا وقتی خانواده متمولی را می‌بینند که منتظر راننده شخصی خود هستند، برای نشان دادن کینه خود از نابرابری‌ها شیشه ماشین را می‌شکنند (یاقوتی، ۲۵۳۶: ۷۴-۶۷). همین موضوع در داستان «گوشواره» تکرار می‌شود؛ منصور، پسر نوجوان داستان، برای انتقام از کنایه‌های مرد مرفه‌ای که فقر آن‌ها را به رویشان می‌آورد، تنگ ماهی پسر همان مرد را با تیرکمانی می‌شکند و از اینکه او را ترسانده است، احساس بسیار خوبی دارد (یاقوتی، بی‌تا: ۷۰-۷۱). اما نکته اینجاست که تا پایان دهه ۱۳۵۰، در داستان‌های دیگر نویسندگان روستایی اشاره‌ای به فعالیت‌های سیاسی روستاییان و مهاجران روستایی نمی‌شود. از محمود دولت‌آبادی و هوشنگ مرادی‌کرمانی، پرکارترین نویسندگان روستایی که در همین دهه آثاری منتشر کرده‌اند، هیچ داستانی حتی با اشاره‌ای جزئی به این مسائل دیده نمی‌شود. از



مهاجران روستایی رمان «کبودان» حسین دولت‌آبادی نیز هیچگونه فعالیت سیاسی دیده نمی‌شود.

#### ۴.۲.۲ داستان‌های روستایی پس از دهه ۱۳۵۰

دولت آبادی و مرادی‌کرمانی تنها در داستان‌های بعد از انقلاب خود از مشارکت تعداد اندکی از روستاییان در مسائل سیاسی سخن گفته‌اند که در مقابل این تعداد اندک تعدادی طرفدار حکومت نیز به چشم می‌خورد. مهاجران روستایی نیز در داستان‌های این نویسندگان عمدتاً توجهی به مسائل سیاسی ندارند. در دو داستان «شما که غریبه نیستید» و «برزخ خس» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۸۷-۱۸۳) شاهد حضور چند شخصیت حامی مصدق هستیم، اما در عین حال در همین داستان‌ها تعدادی از روستاییان طرفدار شاه هستند و پس از کودتای ۲۸ مرداد به ضرب و شتم طرفداران مصدق می‌پردازند:

«چند نفر دسته جمعی از پایین رودخانه بالا می‌آیند. «زننده باد شاه» می‌گویند، می‌دوند... می‌روند توی باغ خاله فاطمه. «بمانعلی تخت‌کش» را می‌گیرند و می‌زنند. با چوب می‌زنند توی سرش. از سرش خون می‌ریزد روی پیشانی و گردنش. زنش می‌آید و او را نجات می‌دهد...» (مرادی‌کرمانی، ۱۳۸۸: ۱۹۵).

همین دسته‌بندی در رمان بلند «کلیدر» نیز دیده می‌شود؛ تعدادی از اهالی روستای قلعه‌چمن با حزبی‌ها همکاری می‌کنند، اما اکثریت آنها دخالتی ندارند و کدخدا و اطرافیانش نیز موافق حکومت هستند (دولت‌آبادی، ۱۳۸۶: ۵۲۷-۸؛ ۵۵۴؛ ۷۷۸-۹؛ ۱۱۰۹-۱۳؛ ۱۱۲۸-۹؛ ۱۲۶۴-۵؛ ۱۵۹۴) در این رمان، عباس‌جان برای نیروهای نظامی جاسوسی می‌کند (دولت‌آبادی، ۱۳۸۶: ۵۵۴) هر سه داستان تنها معدودی از روستاییان و نه مهاجران روستایی را آن هم پیش از کودتای ۲۸ مرداد درگیر فعالیت‌های سیاسی نشان می‌دهند.

در دو داستان «برزخ خس» و «شما که غریبه نیستید» روستاییانی که مهاجرت کرده‌اند، به مسائل سیاسی بی‌توجه هستند. همان‌طور که اشاره کردیم، برخی از نویسندگان شهری روحیه محافظه‌کار و ترسوی روستایی را دلیل نبود آنها در صحنه‌های سیاسی دانسته‌اند؛ دو داستان «کلیدر» و «پایان جغد» تلاش کرده‌اند تا به آن دسته از گفتمان‌های شهری که روستایی را محافظه‌کار می‌دانستند به گونه‌ای پاسخ دهند. در این آثار به این مسأله اشاره شده است که نحوه تبلیغ در روستا اشتباه بوده است و اصولاً اهداف اصلی احزاب دغدغه روستاییان نبوده است:

«این شیوه تهبیج و سخنرانی و حرف های کلی را اینجا و آنجا گفتن، آن هم با زبان کسانی که روزهای جمعه و تعطیل راه می‌افتند میان دهات، حرف‌هایی می‌زنند و بعدش زیر بید و لب جوی می‌نشینند به عرق‌خوری، اثر خوبی ندارد... به گمان من در تمام مدتی که آن‌ها به حرف‌های آدم گوش می‌دهند، از خودشان می‌پرسند که این آدمی که همچو حرف و سخن‌هایی را می‌زند، چه نفعی از این کارش می‌خواهد که عایدش بشود...» (دولت‌آبادی، ۱۳۸۶: ۱۲۶۵)

سامون، مهاجر روستایی داستان «پایان جغد»، در ذهنش جواب دوستان حزبی‌اش را که روستاییان را محافظه‌کار می‌خوانند و رأی دادن به اصلاحات ارضی را نادرست می‌پندارند می‌دهد؛ از نظر او رأی دادن به اصلاحات ارضی و اعتماد به آن تنها به این دلیل که نظام ارباب-رعیتی را از بین برده است، کافی است. از نظر سامون روستایی به تازگی انقلابی بزرگ (اصلاحات ارضی) را پشت سر گذاشته است و در حال حاضر نمی‌داند در شهر چه خبر است تا بخواهد از چیزی جانبداری کند. از این رو، نمی‌توان دغدغه روستاییان و مهاجران را با دغدغه مبارزان سیاسی یکسان دانست (دولت‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۵۰؛ ۲۶۸؛ ۳۰۶؛ ۴۹۱-۴۸۹). از نظر او نبود روستاییان در فعالیت‌های سیاسی انتقادآمیز نیست، زیرا مهاجران و روستاییان پیش از آنکه دغدغه آزادی داشته باشند، می‌بایست در بند معاش خود باشند. دولت‌آبادی به مبلغانی که خواستار حضور پررنگ‌تر مهاجران هستند نگاهی انتقادی دارد:

«واقعاً فکر نمی‌کنی اینجور آدم‌ها را از کار و زندگی‌شان می‌اندازی و باعث نان زن و بچه‌هاشان می‌شوی؟ که چی؟ به زور می‌خواهی برای پرولتاریا شأن و شرف ایجاد کنی؟ چرا نمی‌گذاری هر کس سر جای خودش کار و زندگی کند؟!» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۹: ۲۶۸)

سامون در بخش دیگری از داستان، آنجا که با خود صحبت می‌کند، می‌گوید:

پرسیدم: «تو چرا پروا می‌کنی از شرکت در اجتماعات؟» و سام جواب داد «چون نمی‌شناسم!» پرسیدم «چه چیز را نمی‌شناسی؟» گفت «نه مردم و نه اجتماعات را» (دولت‌آبادی، ۱۳۷۹، ۴۸۹).

با بررسی داستان‌های نویسندگان روستایی که هر کدام از آنها به منطقه‌ای خاص تعلق دارند و تنها به یک حوزه مشخص مربوط نمی‌شوند، (برادران دولت‌آبادی از خراسان، هوشنگ مرادی کرمانی از کرمان، ابوالقاسم پاینده از اصفهان، احمدعلی خدادادگرتیموری و یاقوتی از کردستان بزرگ و محمدرضا صفدری از خوزستان) مشخص می‌شود که در

داستان‌های پیش از دهه ۱۳۵۰، فعالیت حزبی یا انقلاب روستایی معنایی ندارد و پس از این دهه، تنها در آثار دو نویسنده روستایی به فعالیت‌های سیاسی معدودی از مهاجران روستایی و روستاییان اشاره شده است. در واقع، می‌توان گفت اکثریت روستاییان مشارکتی در امور سیاسی نداشتند؛ زیرا برای این کار انگیزه‌ای در خود نمی‌دیدند. نبود روستاییان در فعالیت‌های سیاسی به دلیل روحیه محافظه‌کارانه آنها نبود، بلکه به علت ناآگاهی آنان بود. تبلیغ روشنفکران در روستا به شکلی که در آثار شهری نیز توصیف شده برای آن روستایی که مدام در رنج و فقر است، روشنگر نبود؛ این تبلیغات حتی بی‌اعتمادی روستاییان را نیز به دنبال داشت. از طرف دیگر از نظر روستاییان، آن شهری که برای تفریح به روستا می‌آید از فقر و ناتوانی روستایی چیزی نمی‌داند و نمی‌تواند دردی را از او دوا کند. روستاییان عموماً نسبت به سیاست بی‌توجه بودند و تنها معدودی از روستاییان و مهاجران با حکومت و مخالفان حکومت همکاری کردند.

### ۳. نتیجه‌گیری

با بررسی آثار پژوهشی و داستان‌های شهری و روستایی می‌توان نتیجه گرفت که دانش ما از این موضوع تحت تأثیر گفتمان شهری قرار دارد. آثار پژوهشی که غالباً پس از انقلاب به این موضوع پرداخته‌اند، نیز مانند داستان‌های شهری به سه دسته تقسیم می‌شوند. گروهی که فعال نبودن روستایی و مهاجر روستایی را ناشی از رضایت آنها از حکومت یا روحیه محافظه‌کار روستایی می‌دانند؛ گروهی که به حضور پررنگ روستاییان و مهاجران در مبارزات اشاره دارند و گروه آخر که عموماً پس از دهه ۱۳۵۰ نگاشته شده‌اند و میان روستاییان و مهاجران تفکیک قائل می‌شوند؛ از نظر آنها روستاییان هیچ فعالیتی در امور سیاسی نداشتند، اما مهاجران روستایی فعالانه مشارکت کرده‌اند.

نگاه روستاییان به این بحث متفاوت است. پیش از دهه ۱۳۵۰، این فعالیت‌ها در روستا و میان مهاجران، آن قدر کم است که در میان آثار داستانی این دوره به ندرت دیده می‌شود. پس از آن نیز داستان‌های روستایی، روستاییان و مهاجران روستایی را در مواجهه با امور سیاسی به سه دسته تقسیم می‌کنند: اقلیتی که به حکومت و احزاب گرایش دارند و اکثریتی که توجهی به این مسائل ندارند. نویسندگان روستایی دلیل این بی‌توجهی را روحیه محافظه‌کار یا رضایت روستایی از حکومت نمی‌دانند، بلکه بر اساس این رویکرد، روستایی به تازگی انقلابی مهم (اصلاحات ارضی) را پشت سر گذاشته است و هنوز نمی‌داند چه باید

بکند. از طرفی روستایی و مهاجر انگیزه‌ای برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و انقلاب ندارد؛ در واقع، نبود روستاییان در صحنه‌های سیاسی از روی ترس نیست، بلکه روستاییان به دو دلیل به این مسائل بی‌توجه هستند: نخست اینکه روستایی از وضعیت کلی جامعه بی‌خبر است و این بی‌اطلاعی خود ناشی از کم‌سوادی و تبلیغات نادرست مبلغان احزاب است؛ دوم، اینکه اهداف و آمال مطرح شده از سوی این گروه‌ها برای روستاییانی که هنوز در تأمین مهم‌ترین نیازهای زندگی‌شان با مشکلات جدی مواجهند، اهمیت چندانی نداشت.

## منابع

- آبراهامیان، یرواند، ۱۳۷۶، *مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، نشر و پژوهش شیرازه
- آبراهامیان، یرواند، ۱۳۸۸، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمدگل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چاپ پانزدهم، تهران، نشر نی
- آل‌احمد، جلال، ۱۳۴۳، *غریب‌دگی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات رواق
- آل‌احمد، جلال، ۱۳۵۷، *از رنجی که می‌بریم*، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- آل‌احمد، جلال، ۱۳۸۳، *تفرین زمین*، چاپ پنجم، تهران، انتشارات فردوس
- آل‌احمد، جلال، ۲۵۳۶، *سه‌تار*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ابراهیمی، نادر، ۱۳۸۱، *هزارپای سیاه و قصه‌های صحرا*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات روزبهان
- ازکیا، مصطفی، ۱۳۶۴، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی*، تهران، انتشارات اطلاعات
- ازکیا، مصطفی، ۱۳۶۵، *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستاها*، تهران، انتشارات اطلاعات
- اشرف، احمد؛ بنوعیزی، علی، ۱۳۸۸، *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران*، چاپ دوم، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران، انتشارات نیلوفر
- اعتمادزاده، محمود، بی‌تا، *دختر رعیت*، چاپ پنجم، انتشارات نوید
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۳۶، *در سینمای زندگی*، تهران، بنگاه نشریات طلائی
- تقوایی، ناصر، ۱۳۴۸، *تابستان همان سال*، تهران، کتاب لوح
- چوبک، صادق، ۲۵۳۶، *تنگسیر*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جاویدان
- خدادادگر تیموری، احمدعلی، ۱۳۰۵، *روز سیاه کارگر*، جلد اول، کرمانشاه، بی‌نا
- خدادادگر تیموری، احمدعلی، ۱۳۰۶، *روز سیاه کارگر*، جلد دوم، کرمانشاه، بی‌نا
- خسروی، خسرو، ۱۳۶۰، *مسئله ارضی و دهقانان تهیدست در ایران*؛ تهران، نشر بیداری
- خسروی، خسرو، ۱۳۷۲، *جامعه‌شناسی ده در ایران*؛ تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- خسروی، خسرو، بی‌تا، *دهقانان خرده‌پا*؛ تهران، نشر قطره
- دولت‌آبادی، محمود، ۱۳۸۱، *اقلیم باد*، چاپ سوم، تهران، نشر چشمه

- دولت‌آبادی، محمود، ۱۳۸۶ الف، برزخ حس، چاپ چهارم، تهران نشر چشمه
- دولت‌آبادی، محمود، ۱۳۸۶ ب، کلیدر، چاپ هجدهم، ۱۰ ج، تهران، فرهنگ معاصر
- دولت‌آبادی، محمود، ۱۳۷۹، *پایان جغد*، تهران، نشر چشمه
- دولت‌آبادی، محمود، ۱۳۹۲ ب، *گاوآره بان*، چاپ دوم، تهران، انتشارات نگاه
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۷۷، *توسعه و تضاد*، تهران، شرکت سهامی انتشار
- رهبر، ابراهیم، ۱۳۵۷، *سوگواران*، چاپ سوم، تهران، بی‌نا
- ساروخانی، باقر، ۱۳۵۷، *خاستگاه کارگران ایران*، تهران، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و تعاون، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
- ساعدی، غلامحسین، ۲۵۳۶، *گور و گهواره*، تهران، انتشارات آگاه
- سوداگر، محمدرضا، ۱۳۵۸، *بررسی اصلاحات ارضی*، تهران، موسسه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی پازند
- صفدری، محمدرضا، ۱۳۶۸، *سیاسنبو، شیراز*، نشر شیراز
- علوی، بزرگ، ۱۳۵۷، *نامه‌ها*، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- فوران، جان، ۱۳۹۲، *مقاومت شکننده*، چاپ سیزدهم، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا
- فوکو، میشل، ۱۳۹۲، *مراقبت و تنبیه*، چاپ دوازدهم، ترجمه‌ی نیکو سرخوش و افشین جهانانگیده، تهران، نشرنی
- فوکو، میشل، ۱۳۹۳، *تاریخ جنون*، چاپ یازدهم، ترجمه‌ی فاطمه ولیانی، تهران، انتشارات هرمس
- فوکو، میشل، ۱۳۹۳، *دیرینه‌شناسی دانش*، ترجمه‌ی نیکو سرخوش و افشین جهانانگیده، چاپ دوم، تهران، نشر نی
- کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۸۷، *اقتصاد سیاسی ایران*، چاپ چهاردهم، ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز
- کامبخش، صمد، بی‌تا، *نظری به جنبش کارگری در ایران*، تهران، انتشارات گلبرگ
- کدی، نیکی‌آر، ۱۳۶۹، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم
- گازیورسکی، مارک، بی‌تا، *سیاست خارجی آمریکا و شاه*، ترجمه‌ی جمشید زنگنه، تهران، موسسه فرهنگی رسا
- گلابدره‌ای، محمود، ۱۳۵۳، *پرکاه*، بی‌نا
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، ۱۳۸۲، *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*، چاپ دوم، شیراز، نوید شیراز
- مؤذن، ناصر، ۱۳۵۲، *رقص در انبار*، تهران، کتاب میرا
- محمود، احمد، ۱۳۸۲، *داستان یک شهر*، چاپ ششم، تهران، انتشارات معین
- محمود، احمد، ۲۵۳۶، *پسرک بومی و غربیه‌ها*، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- محمود، احمد، بی‌تا، *همسایه‌ها*، تهران، انتشارات امیرکبیر
- مرادی‌کرمانی، هوشنگ، ۱۳۸۸، *شما که غریبه نیستید*، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات معین
- مرتضوی، مسعود، ۱۳۸۳، *مهاجرت روستاییان به شهرها و تأثیرات اقتصادی، سیاسی آن در دوران پهلوی دوم*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی

مسجدی، پرویز، ۱۳۵۸، جزیره، تهران، انتشارات امیرکبیر  
مقصودی، مجتبی، ۱۳۹۱، تحولات سیاسی اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، چاپ ششم، تهران، نشر روزنه  
مومنی، باقر، ۱۳۵۹، مسأله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران، تهران، نشر پیوند  
میلز، سارا، ۱۳۸۸، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، چاپ دوم، زنجان، نشر هزاره سوم  
هلیدی، فرد، ۱۳۵۸، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران؛ ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین؛ تهران، انتشارات  
امیرکبیر

هوگلاند، اریک، ۱۳۸۱، زمین و انقلاب در ایران، تهران، نشر شیرازه

الهی، اصغر، ۱۳۵۸، قصه‌های پاییزی، تهران، انتشارات امیرکبیر

یاقوتی، منصور، ۱۳۵۳، با بچه‌های ده خودمان، تهران، انتشارات آوا

یاقوتی، منصور، ۱۳۵۸، دهقانان، انتشارات شباهنگ

یاقوتی، منصور، ۲۵۳۶، پاجوش، تهران، نشر آینده

یاقوتی، منصور، بی تا، چراغی بر فراز مادیان کوه، بی تا

یاقوتی، منصور، بی تا، کودکی من، بی تا

